



بحران هویت (قسمت دوم)

Ark G

همانگونه که قبلاً متذکر شدیم تحول بلوغ تصویر ذهنی از بدن و هویت شخصی نوجوان را تهدید میکند. نوجوان با در نظر گرفتن تجربیات گذشته و قبول تحولات بلوغ میخواهد هویت خویش را از نو بازسازی کند. حتی مخالفت و ستیز نوجوانان با والدین خود و عصیان آنان در برابر ارزشها و قدرتها و دخالتهای دیگران برای تثبیت هویت و جدا نمودن هویت خویش از سایرین است.

معمولاً والدین با این وضعیت بحرانی نوجوانان برخورد خوبی نمیکند. و اغلب درک این وضعیت برایشان مشکل است. در اینحالت نوجوانان در خانواده هایشان مورد بیمه‌ری قرار میگیرند و در مواقعی که نیاز شدید به دوستی و تفاهم متقابل دارند مورد هجوم و انتقام قرار میگیرند. در هنگام بحران هویت نوجوان دچار تضادها و کشمکشهای ضد و نقیض است. به پدر و مادر خود علاقه دارد و از طرفی بخاطر امر و نهی های مکرر آنان هم تنفر دارد. هم از نظر اقتصادی به آنان وابسته است و هم میخواهد مستقل عمل کند و با آنها مخالفت میکند. این تضادهای درونی به رفتارهای ضد و نقیض می انجامد و باعث رفتارهای خصمانه والدین میشود. اگر والدین این بحران درونی و تضادها را درک نکنند و نتوانند تفاهم مشترکی داشته باشند این تضادها به عصیان و سرکشی تبدیل میشود.

والدین باید سعی کنند که نوجوانان را در این دوره بحرانی درک کنند و سرکشیها و مخالفتهای نوجوانان در این دوره را بصورت علائم رشد و از خصوصیات دوره نوجوانی تعبیر کنند و آنرا مقدمت قطعی یک واقعه نگران کننده که آینده نوجوان را تهدید میکند ندانند. برخورد صحیح آنان به نوجوان کمک خواهد کرد تا از این برهه پر تلاطم و آشوب بگذرد. در بحران هویت نوجوان شدیداً دچار اضطراب و ناراحتی ذهنی است بطوریکه نمیتواند جنبه های مختلف شخصیت خویش را در یک خویشتن قابل قبول و هماهنگ سازمان دهد. به هنگام بحران هویت نوجوان در سه مورد یا بیشتر از موارد زیر دچار شک و تردید است:

اول- اهداف بلند مدت

دوم- انتخاب شغل



ندای حق

سوم- الگوهای رفاقت

چهارم- رفتار و تمایل جنسی

پنجم- تشخیص مذهبی

ششم- ارزشهای اخلاقی

هفتم- پیمان و تبعیت از گروه

این علائم ممکن است چند ماه وجود داشته باشند و باعث اشکال در عملکرد اجتماعی و شغلی گردند. تردید در مورد اهداف بلند مدت باعث عدم توانایی در انتخاب یک الگو و مدل برای زندگی میشود و عملاً فرد را از ازدواجی موفق یا از خدمت به اجتماع باز میدارد. بحران هویت نوجوان را به ابهام و سردرگمی میکشاند و باعث عوارضی میشود:

مشکل نخست: اختلال در احساس زمان و وقت. در این صورت نوجوان احساس میکند که گذشت زمان مهم نیست و برای هر کاری بیش از حد کافی وقت دارد. در برابر این احساس برخی احساس میکنند که همه امور بسرعت میگذرد و وقت و زمان کافی برای کار خود ندارند.

مشکل دوم: احساس شدید نسبت به خویش. فکر نوجوان در این حالت همیشه مشغول خصوصیات جسمی یا شغلی و نقشی است که بر عهده دارد و نمیتواند افکارش را از دایره تنگ خویش آزاد سازد.

مشکل سوم: هویت منفی. در اینصورت نوجوان نقش و وظایفی را که بوسیله خانواده یا اجتماع برای وی مناسب تشخیص داده میشود با تمسخر یا با پرخاشجویی و حالتی خصمانه رد میکند و ممکن است رفتاری عجیب و غریب و نامانوس با اجتماع داشته باشد. برای کمک به نوجوانی که هویت خویش را باز نیافته و خود را شناخته و در نقش خود ابهام دارد باید روابط باز و صمیمانه ای بوجود آورد و با تکیه بر نقاط مثبت وی او را به تجربه ارزش شخصی راهنمایی کند. مشاوره فردی با نوجوانیکه دچار بحران هویت است باید متوجه تامین شرایطی باشد که تهدید را در فرد تقلیل دهد و موانع ادراکات وی از خویش را برطرف نماید. در برخورد مشاوره ای با چنین نوجوانی تفاهم توأم با همدلی و احترام مثبت نقش عمده ای را ایفا میکند. در اینصورت نوجوان از خویش بیشتر آگاه میشود و برای زندگی خود معنایی می یابد و مسئولیت انتخابها و تصمیمهای زندگی خویش را بر عهده میگیرد. مشاوره گروهی نیز به شناخت هویت و توجه به علائق و کسب مهارتها مخصوصاً ارتباطات اجتماعی به نوجوان کمک میکند. نوجوانان در ارتباطات گروهی یاد میگیرند که:

همسالان آنان نیز مشکلاتی دارند

علیرغم اشتباهاتی که دارند اعضاء گروه آنها را میپذیرند

قادر به درک دیگران هستند

میتوانند به دیگران اعتماد نمایند

وقتی احساسات خود را بیان کنند خود را بهتر میشناسند



ندای حق

ارتباطات نوجوان با همسن و سالان خود باعث رشد و شکوفایی استعدادهای نهفته گردیده و راه را برای پیشرفت و بلوغ اجتماعی آنان هموار میسازد.